

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ می ۲۰۱۹

افتتاح انتخاب رئیس "ولسی جرگه" و پیامد های آن!

یکشنبه- ۲۹ ثور ۱۳۹۸ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که روز گذشته، بعد از سالها تأخیر و ماه ها انتظار اعلام نتایج انتخابات "ولسی جرگه"، سرانجام "ولسی جرگه" تشکیل جلسه داده رئیس آن اداره را انتخاب نمودند. انتخابی که از همان اول مصداق کامل "اول پیاله و درد" گردیده نشان داد:

۱- تقلب، فساد و ارتشاء چنان در تاروپود ادارات دولت پوشالی ریشه دوانیده که حتمی نیست تا بحث انتخابات میلیونی این شهر و یا آن شهر و یا کل کشور مطرح باشد تا تقلب صورت گرفته، بی باوری به یک دیگر دربهای نفاق و شقاق را "چهارپلاق" باز نماید، بلکه حتا در سطح معدود کمتر از ۲۵۰ تن آنهم به اصطلاح "وکلائی ملت" یا برگزیدگان و گل سرسید جامعه، با مفقود شدن سه رأی، پایه و اساس یک اختلاف عمیق گذاشته می شود.

۲- تا اینجا و به اساس روند انتخابات جهت رئیس "ولس جرگه"، کاملاً واضح گردید، که "غنی احمدزی" و باند تبار گرایش با تمام تقلب ها و تغییر و تبدیل های کمیسیونها و سران آن، دست شان خالی مانده آنهایی که فعلاً در به اصطلاح "ولسی جرگه" راه یافته اند، به هر دین و مسلکی که هستند، "غنی احمدزی" و شگرد های انتخاباتی و تقلب ها و زورگوئی های وی را نیک فهمیده، حداقل فعلاً حاضر نیستند، به صفت اسپ کراچی لقه وی نفس بزنند.

۳- مجموع رأی "میر رحمان رحمانی" تاجیک تبار اهل ولسوالی بگرام ولایت پروان یعنی ۱۲۳ رأی از آن جایی که از مجموع تعداد تاجیک تباران، هزاره ها و ازبیک ها بیشتر بود دال بر آن است که در انتخاب وی، پشتونهای ضد "غنی احمدزی" و تبارگرائی نیز به وی رأی داده اند. یعنی خلاف تصور آنهایی که رأی گیری انتخاباتی دیروز و نتیجه آن را نمودی از تقابل این و یا آن قوم مقابل یک دیگر می دانند، انتخابات در کلیت آن تقابل بین همگرائی قومی و فاشیسم تبارگرایانه بود. همان طوری که قبلاً نگاشتم چون مجموع آرای "رحمانی" بیانگر آن است که پشتونها نیز به وی رأی داده اند، در نتیجه شکست "کمال ناصر اصولی" شکست پشتونها نه، بلکه شکست خط فاشیستی و تبارگرایانه "غنی احمدزی" و باند های ضد ملی اطرافش می باشد.

۴- سروصدائی که دیروز "کمال ناصر اصولی" و امروز عده ای از زنانی که "هند جگر خوار" و "مادر فولاد زره" را تداعی می کنند، به راه انداختند، بیانگر آن است که حاکمیت تبارگرایانه به هیچ نوع مبنای انتخاباتی و احترام به حق رأی دیگران و اطاعت اقلیت از اکثریت باور و تمکین ندارند، بلکه همه و بدون استثناء پرورش یافته مکتب زور امپریالیستی اند که به دموکراسی و انتخابات و حق رأی فقط زمانی باور مند هستند که مؤید حاکمیت

خودشان باشد، در غیر آن از ریشه آن را رد می نمایند. یعنی همان کاری را که بادران شان در ونزوئلا انجام دادند، قبلاً در اوکراین انجام داده بودند و همین اکنون "اردوخان" به ارتباط شهردار ستانبول انجام می دهد. یعنی آنها انتخابات، دموکراسی و تمکین به قانون را فقط در صورتی قبول می کنند که نتیجه اش به نفع خودشان باشد، در غیر آن هیچ یک از آنها کمترین ارزشی برای شان ندارد.

۵- انتخاب "رحمانی" تحصیل یافته شوروی سابق آنها در رشته نظامی و ارتقای رتبه اش تا جنرالی از زمان حاکمیت مزدوران روس تا انتخابات دوره شانزده، بیانگر آن است که روسها باز هم در رقابت با امریکائی ها که تمام تخم های شان را در سبد "کمال ناصر اصولی" گذاشته بودند، به پیروزی دست یافته، با بیرون کشیدن مقام ریاست ولسی جرگه در تشکیلات اداری دولت دست نشانده از جنگ تبارگرایان فاشیست، حتا اگر ریاست اجرائیه را نیز از دست امریکائی ها گرفته نتواند، می تواند حرفی برای گفتن داشته باشد.

۶- هرچند کسی نمی خواهد زیاد در مورد کارکرد های "رحمانی" حرفی بزند و خودش نیز در طول هشت سال عضویت در ولسی جرگه دوره شانزدهم آدم پرحرف و معروفی نبوده. همین حالت خودش گواه حدس ماست. مگر از برخورد و کرکتر وی بر می آید که وی می بایست از جمله اعضای "خاد نظامی" دولت خلق و پرچم بوده باشد. این گمان بادر نظر داشت کاندید بودن "حنیف اتمر" یک تن از شکنجه گران "خاد" به ریاست جمهوری، می تواند بدان معنا باشد که در جنگ قدرت تا فعلاً "حنیف اتمر" جاسوس روس استحال یافته به انگریز و امریکا، در نبرد علیه "غنی احمدزی" پیروز می باشد.

۷- عکس العمل های ستریک "کمال ناصر اصولی" و وارثان "هندجگرخوار" نشان داد که "غنی احمدزی" و چه بسا امریکا نیز حاضر نیستند بسادگی این شکست شان را بعد از حد اقل چند تریلیون دالر هزینه، بپذیرند. این که طرف مقابل چه عکس العملی از خود نشان می دهد و حاضر است تا کجا پیش برود و از کجا عقب نشینی را آغاز نماید، مسأله ایست که در روز های آینده روشن خواهد شد.

دیده شود چه می شود!!